





دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه اقتصاد

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم اقتصادی

تحلیل تأثیر شاخص های حکمرانی خوب

بر شاخص توسعه انسانی

مطالعه موردی: کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN)

استاد راهنما:

دکتر مرتضی سامتی

استاد مشاور:

دکتر همایون رنجبر

پژوهشگر:

فضیلت محسنی

آذر ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

چکیده

از هنگام ظهور علم اقتصاد دیدگاه‌های متفاوتی در مورد جایگاه دولت و مسئله ابعاد دولت، در نظریات توسعه اقتصادی مطرح شده است. تا قبل از دهه ۱۹۹۰ هرگاه احساس می‌شد واگذاری امور به نهاد بازار نتایج مطلوب را به بار نمی‌آورد، دولت می‌بایست جایگزین بازار شود و هر جا که واگذاری امور به دولت به نتایج دلخواه منجر نمی‌شد، حکم به جایگزینی بازار به جای دولت داده می‌شد. حکمرانی خوب مفهوم جدیدی است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه اقتصادی مطرح گردیده است. این مفهوم برگرفته از نظریه نهادگرایی است که در آن دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه فراهم کند و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات توسعه اقتصادی را فراهم سازد. تدارک موفقیت آمیز این نهادها تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شود. بر اساس این مفهوم، مداخله کم یا زیاد دولت مشکل توسعه را حل نمی‌کند بلکه کیفیت دولت مسئله اصلی است. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند که عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات حاکمیت قانون و کنترل فساد.

این پژوهش با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، به بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب (از منظر بانک جهانی) بر شاخص توسعه انسانی (به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی) در کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN) در طول دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ می‌پردازد. در این مطالعه با توجه به همبستگی بالای میان شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان متغیرهای توضیحی مدل، از روش تحلیل عاملی برای بررسی امکان حذف برخی از شاخص‌ها جهت رفع هم‌خطی مدل و سنجش روایی مربوط به حکمرانی خوب استفاده شده است. همچنین از طریق محاسبه میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی خوب، کیفیت حکمرانی معرفی شده، و تاثیر آن بر شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که بر اساس روش تحلیل عاملی، هیچ یک از شاخص‌ها قابل حذف نیست و روایی عاملی این متغیرها مناسب است.

نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی خوب که از طریق میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی محاسبه شده است، اثر مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر HDI دارد. همچنین، از بین شش شاخص حکمرانی خوب شاخص‌های ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون اثری مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارند.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی خوب، حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، شاخص توسعه انسانی، داده‌های تابلویی، تحلیل عاملی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول کلیات پژوهش

- ۱-۱- مقدمه..... ۱
- ۲-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی..... ۱
- ۳-۱- اهمیت و ارزش پژوهش..... ۴
- ۴-۱- کاربرد نتایج پژوهش..... ۴
- ۵-۱- اهداف پژوهش..... ۴
- ۶-۱- فرضیه‌های پژوهش..... ۵
- ۷-۱- روش پژوهش..... ۵
- ۱-۷-۱- نوع مطالعه و روش بررسی فرضیه‌های پژوهش..... ۵
- ۲-۷-۱- قلمرو زمانی..... ۶
- ۳-۷-۱- قلمرو مکانی..... ۶
- ۴-۷-۱- ابزار گردآوری داده‌ها..... ۶
- ۵-۷-۱- ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج..... ۶
- ۸-۱- واژه‌های کلیدی..... ۷

فصل دوم ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

- ۱-۲- مقدمه..... ۹
- ۲-۲- جایگاه دولت در نظریات توسعه اقتصادی..... ۱۰
- ۱-۲-۲- دولت شبگرد..... ۱۰
- ۲-۲-۲- دولت‌گرایی..... ۱۰
- ۳-۲-۲- شکست دولت..... ۱۱
- ۴-۲-۲- دولت حداقلی..... ۱۲
- ۵-۲-۲- دولت موافق بازار یا حکمرانی خوب..... ۱۳
- ۳-۲- مفهوم توسعه و توسعه اقتصادی..... ۱۳
- ۴-۲- شاخص توسعه انسانی به‌عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی..... ۱۴
- ۵-۲- نقش نهادها در فرآیند توسعه..... ۱۶

عنوان	صفحه
۶-۲- مفهوم حکمرانی خوب.....	۱۸
۷-۲- شاخص‌های حکمرانی خوب (از منظر بانک جهانی).....	۲۰
۱-۷-۲- شاخص حق اظهار نظر و پاسخگوئی.....	۲۰
۲-۷-۲- شاخص ثبات سیاسی.....	۲۰
۳-۷-۲- شاخص کارایی و اثربخشی دولت.....	۲۰
۴-۷-۲- شاخص کیفیت قوانین و مقررات.....	۲۰
۵-۷-۲- شاخص حاکمیت قانون.....	۲۱
۶-۷-۲- شاخص کنترل فساد.....	۲۱
۸-۲- کانال‌های اثرگذاری نهادها بر توسعه از طریق شاخص‌های حکمرانی خوب.....	۲۱
۱-۸-۲- حق اظهار نظر و پاسخگوئی و توسعه.....	۲۱
۲-۸-۲- ثبات سیاسی و توسعه.....	۲۳
۳-۸-۲- کارآمدی دولت و توسعه.....	۲۴
۴-۸-۲- کیفیت قوانین و مقررات و توسعه.....	۲۵
۵-۸-۲- حاکمیت قانون و توسعه.....	۲۷
۶-۸-۲- کنترل فساد و توسعه.....	۳۲
۹-۲- مطالعات انجام‌شده.....	۳۶
۱-۹-۲- مطالعات خارجی.....	۳۶
۲-۹-۲- مطالعات داخلی.....	۳۹
۱۰-۲- جمع‌بندی فصل.....	۴۲
فصل سوم: روش پژوهش	
۱-۳- مقدمه.....	۴۳
۲-۳- ارائه الگوی پژوهش.....	۴۴
۱-۲-۳- الگوی مورد استفاده جهت بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه انسانی.....	۴۵
۲-۲-۳- الگوی مورد استفاده جهت بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی.....	۴۷
۳-۳- توصیف متغیرهای الگو.....	۴۸
۴-۳- اتحادیه جنوب شرقی آسیا (ASEAN).....	۵۱
۵-۳- اطلاعات و داده‌های آماری.....	۵۲
۱-۵-۳- منابع آماری.....	۵۲

صفحه	عنوان
۵۳.....	۳-۵-۲- ذکر روابط محاسباتی در گردآوری شاخص‌های حکمرانی خوب.....
۵۵.....	۳-۶-۶- روش برآورد الگو.....
۵۵.....	۳-۶-۱- روش داده‌های تابلویی.....
۵۶.....	۳-۶-۲- مدل رگرسیونی و انواع روش‌های داده‌های تابلویی.....
۵۷.....	۳-۶-۳- آزمون F لیمر.....
۵۸.....	۳-۶-۴- آزمون تعیین اثرات ثابت یا تصادفی.....
۵۹.....	۳-۶-۵- آزمون واریانس ناهمسانی.....
۶۰.....	۳-۶-۶- آزمون همخطی.....
۶۰.....	۳-۷-۷- آزمون‌های تشخیص بر روی داده‌ها.....
۶۰.....	۳-۷-۱- آزمون مانایی.....
۶۲.....	۳-۷-۲- آزمون همجمعی.....
۶۳.....	۳-۸- جمع بندی فصل.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل الگو

۶۴.....	۴-۱- مقدمه.....
۶۴.....	۴-۲- تجزیه و تحلیل اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی.....
۶۸.....	۴-۳- روش‌های رفع همخطی.....
۶۸.....	۴-۳-۱- حذف متغیرها بر اساس روش آماری تحلیل عاملی.....
۷۰.....	۴-۳-۲- حذف متغیرها بر اساس تحلیل اقتصادی و تعریف بانک مرکزی از حکمرانی.....
۸۳.....	۴-۴- تجزیه و تحلیل تأثیر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی.....
۸۴.....	۴-۵- جمع بندی فصل.....

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۸۶.....	۵-۱- مقدمه.....
۸۷.....	۵-۲- نتیجه‌گیری.....
۸۹.....	۵-۳- پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی.....
۹۰.....	۵-۴- پیشنهادها برای پژوهش‌های بعدی.....

عنوان	صفحه
پیوست (۱) نتایج آزمون همبستگی میان شاخص‌های حکمرانی خوب.....	۹۱
پیوست (۲) نتایج آزمون همخطی میان شاخص‌های حکمرانی در الگوی (۱-۴).....	۹۱
پیوست (۳) نتایج آزمون واریانس ناهمسانی در الگوی (۱-۴).....	۹۲
پیوست (۴) نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن در الگوی (۱-۴).....	۹۳
پیوست (۵) نتایج تاثیر شاخص‌های حکمرانی بر HDI در الگوی (۱-۴).....	۹۴
پیوست (۶) نتایج آزمون همخطی بین شاخص‌های حکمرانی در الگوی (۲-۴).....	۹۵
پیوست (۷) نتایج آزمون واریانس ناهمسانی در الگوی (۲-۴).....	۹۵
پیوست (۸) نتایج آزمون F لیمر در الگوی (۲-۴).....	۹۶
پیوست (۹) نتایج آزمون هاسمن در الگوی (۲-۴).....	۹۷
پیوست (۱۰) نتایج تاثیر شاخص‌های حکمرانی بر HDI در الگوی (۲-۴).....	۹۸
پیوست (۱۱) نتایج آزمون همخطی بین متغیرهای توضیحی در الگوی (۳-۴).....	۹۹
پیوست (۱۲) نتایج آزمون واریانس ناهمسانی در الگوی (۳-۴).....	۹۹
پیوست (۱۳) نتایج آزمون F لیمر در الگوی (۳-۴).....	۱۰۰
پیوست (۱۴) نتایج آزمون هاسمن در الگوی (۳-۴).....	۱۰۱
پیوست (۱۵) نتایج تاثیر حکمرانی خوب بر HDI در الگوی (۳-۴).....	۱۰۲
پیوست (۱۶) نتایج نرم افزاری روش تحلیل عاملی برای شاخص‌های حکمرانی خوب.....	۱۰۳
منابع و مآخذ	۱۰۴

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول (۱-۲) کانال‌های تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه اقتصادی.....	۳۵
جدول (۱-۳) نظرسنجی عمومی از شهروندان	۴۹
جدول (۲-۳) نظرسنجی از متخصصین کسب و کار تجاری.....	۴۹
جدول (۳-۳) نظرسنجی از متخصصین سازمان‌های غیر دولتی.....	۵۰
جدول (۴-۳) نظرسنجی از متخصصین سازمان‌های توسعه چندجانبه.....	۵۰
جدول (۵-۳) نتایج آزمون واریانس ناهمسانی.....	۶۰
جدول (۶-۳) نتایج آزمون مانایی.....	۶۱
جدول (۷-۳) نتایج آزمون همجمعی.....	۶۲
جدول (۱-۴) نتایج برازش الگوی (۱-۴) به روش اثرات ثابت.....	۶۶
جدول (۲-۴) تجزیه و تحلیل عاملی تأییدی برای شاخص‌های حکمرانی خوب.....	۶۹
جدول (۳-۴) گروه‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس تعریف بانک مرکزی.....	۷۲
جدول (۴-۴) نتایج برازش الگوی (۲-۴) به روش اثرات تصادفی.....	۷۳
جدول (۵-۴) نتایج برازش الگوی (۳-۴) به روش اثرات ثابت.....	۸۴

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، میزان دخالت دولت و نقش مهم آن در اقتصاد است. در این مطالعه به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود. حکمرانی خوب مفهومی است که بحث کیفیت دخالت دولت در اقتصاد را مهم‌تر از بحث کمیت دخالت دولت در اقتصاد برای توسعه اقتصادی می‌داند. در فصل حاضر مروری بر کلیات این مطالعه خواهد شد که شامل شرح و بیان مسأله‌ی پژوهشی، اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف و فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش و اطلاعات و داده‌های آماری است.

۲-۱ شرح و بیان مسئله پژوهشی

از هنگام ظهور علم اقتصاد دیدگاه‌های متفاوتی در مورد جایگاه دولت و مسئله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) در نظریات توسعه اقتصادی مطرح شده است. تا قبل از دهه ۱۹۹۰ هرگاه احساس می‌شد واگذاری امور به نهاد بازار نتایج مطلوب را به بار نمی‌آورد، دولت می‌بایست جایگزین بازار شود و هر جا که واگذاری امور به دولت به نتایج دلخواه منجر نمی‌شد، حکم به جایگزینی بازار به جای دولت داده می‌شد. در

زمان کلاسیک‌ها اعتقاد عمومی بر آن بود که دولت نباید در اقتصاد دخالت داشته باشد و وظیفه دولت را منحصر به حفظ امنیت اجتماعی می‌دانستند. حاکمیت تفکر کلاسیک باعث گردید که تا اواخر قرن ۱۹ دولت‌ها نقش رو به گسترشی در اقتصاد نداشته باشند؛ اما قرن بیستم را می‌توان قرن توسعه ایدئولوژی‌های دولت مدار دانست. بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰، یکی از عوامل مهم استقبال از اندیشه‌های دولت‌گرایی کینز بود. در این دوره لزوم دخالت دولت به عنوان هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی احساس می‌شد و تفکر حاکم از این قرار بود که دستیابی به توسعه اقتصادی بدون دخالت دولت ممکن نیست (دوره دولت بزرگ). با شروع دهه ۱۹۸۰ مجدداً گرایش‌هایی به سمت کاهش نقش دولت به وجود آمد. گسترش اندیشه‌های پیروان مکتب انتخاب عمومی از اواخر دهه ۱۹۶۰ از یک سو و آشکار شدن ناکارآمدی شرکت‌های دولتی، فقدان بازدهی، انعطاف‌پذیری پائین و ورشکستگی آن‌ها از سوی دیگر، موجبات طرح مجدد دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار را فراهم آورد. در این رویکرد، دولت باید فعالیت‌هایش را به مدیریت مناسب اقتصاد کلان و تأمین کالاهای عمومی محدود سازد و دیگر فعالیت‌ها را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، در دهه ۱۹۸۰، رهبری این جریان را به عهده گرفتند. این رهیافت جدید که تحت عنوان سیاست‌های تعدیل ساختاری مطرح گردید، مورد اجماع محافل سیاست‌گذاری در واشنگتن (نظیر بانک جهانی^۱، صندوق بین المللی پول^۲، خزانه داری آمریکا^۳ و فدرال رزرو^۴) بود و به همین دلیل ویلیامسون^۵ آن را "اجماع واشنگتنی"^۶ نامید (دولت حداقل) (میدری، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

سیاست‌های تعدیل در اواسط دهه ۱۹۹۰ مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آن‌ها جوزف استیگلیتز^۷ قرار گرفت و بدین ترتیب دیدگاه جدیدی مطرح گردید. در این رویکرد جدید طرح مسائلی از قبیل این که آیا دولت باید در اقتصاد دخالت کند یا خیر؟ یا این که برای دستیابی به توسعه اقتصادی اندازه دولت باید کوچک باشد یا بزرگ؟ به معنی غفلت از این واقعیت است که دولت و بازار هر یک با معضلات و نارسائی‌هایی مواجه هستند. اگرچه سپردن اقتصاد به دولت و حضور وی در عرصه اقتصاد ما را از موارد شکست بازار^۸ رهایی می‌بخشد، اما نارسائی و مشکلات دیگری تحت عنوان شکست دولت^۹ را مطرح می‌سازد و بالعکس. لذا باید

^۱. World Bank

^۲. IMF

^۳. US Treasury Department

^۴. Federal Reserve

^۵. John, Williamson

^۶ Washington Consensus

^۷ Joseph E Stiglitz

^۸ Market Failure

^۹ Government Failure

پذیرفت که دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند نه دو نهاد رقیب؛ بنابراین مسئله مهم، کیفیت عملکرد دولت است نه کمیت و اندازه آن؛ و به جای بحث از مداخله و عدم مداخله دولت باید از کارایی و اثر بخشی مداخله دولت سخن گفت. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد. تدارک موفقیت آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان «حکمرانی خوب»^۱ مطرح می‌شود (همان، ص ۲۷).

با طرح دیدگاه فوق مسئله دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای مناسب برای کمی کردن کیفیت حکمرانی دولت‌ها و نحوه اثرگذاری آن بر عملکرد اقتصادی مطرح گردید. در پاسخ به این نیاز سازمان‌های متعدد بین المللی با برشمردن ویژگی‌های متنوع برای کیفیت حکمرانی به تهیه شاخص‌هایی اقدام نموده‌اند. در این مطالعه از میان مجموعه شاخص‌های موجود بر شش شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی گردآوری شده، تمرکز شده است. شاخص‌های مورد نظر عبارتند از:

شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی^۲، شاخص ثبات سیاسی^۳، شاخص اثربخشی دولت^۴، شاخص کیفیت قوانین و مقررات^۵، شاخص حاکمیت قانون^۶ و شاخص کنترل فساد^۷.

بنابراین ابتدا در میانی نظری کانال‌های اثرگذاری هر یک از این شاخص‌ها بر توسعه اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس در قالب یک مدل اقتصادسنجی و با استفاده از روش داده‌های تابلویی تأثیر هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی^۸ (که به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی مطرح شده است)، بررسی می‌شود. بدین ترتیب نشان خواهیم داد که توسعه اقتصادی در کشورهای مورد بررسی با شاخص‌های حکمرانی خوب مرتبط بوده است یا خیر.

¹ Good Governance

² Voice and Accountability Index

³ Political Stability Index

⁴ Government Effectiveness Index

⁵ Regulatory Quality Index

⁶ Rule of Law Index

⁷ Control of Corruption Index

⁸ Human Development Index

۳-۱ اهمیت و ارزش پژوهش

در متون کلاسیک اقتصادی نظرات متفاوتی در زمینه تاثیر هزینه‌های مختلف دولت بر بهبود شاخص‌های مختلف توسعه‌ای وجود دارد. هم‌چنین نتایج تجربی متفاوتی نیز در این زمینه به دست آمده است. برخی از نتایج بیانگر این واقعیت هستند که هزینه‌های دولت تاثیر مثبتی بر متغیرهای مربوطه نداشته است. عدم تاثیرگذاری و یا تاثیرگذاری ناچیز هزینه‌های دولت بر متغیرهای توسعه اغلب دو توجیه عمده داشته است: اولاً اینکه افزایش هزینه‌های دولت اثر برون‌رانی به دنبال دارد و منجر به جایگزینی دولت با هزینه‌های بخش خصوصی می‌شود. این موضوع تاثیر افزایش هزینه‌های دولت را کاهش خواهد داد. دومین دلیل این است که حکمرانی نامناسب و ضعیف موجب عدم به ثمر نشستن هزینه‌های دولت می‌شود. بنابراین افزایش هزینه‌های دولت به تنهایی برای بهبود شاخص‌های اجتماعی کافی نیست و متغیرهای مرتبط با وضعیت نهادهای حکومتی در جامعه نیز در این میان موثرند.

با توجه به اینکه نظریه حکمرانی خوب نظریه نوینی است که نگاه جدیدی به نقش دولت در تحقق رشد و توسعه اقتصادی دارد و این نظریه هنوز مورد بحث و بررسی کامل قرار نگرفته است و مطالعات موجود صرفاً بر تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند، لذا این پژوهش تلاش می‌کند پس از ترسیم ویژگی‌های دولت مورد نظر طبق نظریه حکمرانی خوب، به بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه اقتصادی بپردازد و در این میان شاخص توسعه انسانی به عنوان بهترین معیار برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است.

۴-۱ کاربرد نتایج پژوهش

این پژوهش به بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی که خود میانگین سه زیر شاخص امید به زندگی، سطح دانش و درآمد سرانه می‌باشد، می‌پردازد. نتایج به دست آمده می‌تواند در ارائه راهکارهایی جهت بهبود توسعه اقتصادی و همچنین تقویت حکمرانی مفید باشد.

۵-۱ اهداف پژوهش

- ۱ - تحلیل تاثیر شاخص حق اظهار نظر و پاسخگوئی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.
- ۲ - تحلیل تاثیر شاخص ثبات سیاسی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.
- ۳ - تحلیل تاثیر شاخص کارایی و اثر بخشی دولت بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.

- ۴ - تحلیل تاثیر شاخص کیفیت قوانین و مقررات بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.
- ۵ - تحلیل تاثیر شاخص حاکمیت قانون بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.
- ۶ - تحلیل تاثیر شاخص کنترل فساد بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.
- ۷ - تحلیل تاثیر کیفیت حکمرانی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی.

۶-۱ فرضیه‌های پژوهش

- ۱ - شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.
- ۲ - شاخص ثبات سیاسی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.
- ۳ - شاخص کارایی و اثربخشی دولت بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.
- ۴ - شاخص کیفیت قوانین و مقررات بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.
- ۵ - شاخص حاکمیت قانون بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.
- ۶ - شاخص کنترل فساد بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.
- ۷ - کیفیت حکمرانی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی موثر نیست.

۷-۱ روش پژوهش

۷-۱-۱ نوع مطالعه و روش بررسی فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر پژوهش، توصیفی تحلیلی و ابزار گرد آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این پژوهش، برای بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی و آزمون فرضیه‌ها از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. به منظور بررسی فرضیه‌های این پژوهش مبنی بر مثبت بودن تاثیر تک تک شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای آسیای جنوب شرقی، از الگوی بسط یافته آکای^۱ (۲۰۰۶) استفاده شده است. در الگوی آکای شاخص توسعه انسانی (HDI) به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های دموکراسی و کنترل فساد که از شاخص‌های حکمرانی خوب هستند به عنوان متغیرهای توضیحی استفاده شده است. در این پژوهش جهت پاسخگویی به فرضیه‌های یک تا

¹ Selcuk Akcay

شش مبنی بر مثبت بودن تاثیر تک‌تک شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی الگوی آکای بسط داده شده است و سایر شاخص‌های حکمرانی خوب نیز به الگو اضافه شده است.

۱-۷-۲ قلمرو زمانی

این پژوهش تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب را بر شاخص توسعه انسانی (HDI) طی دوره زمانی ۱۰ ساله ۲۰۰۹-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به محدودیت داده‌ها برای شاخص‌های حکمرانی خوب یک دوره زمانی کوتاه مدت انتخاب شده است.

۱-۷-۳ قلمرو مکانی

جامعه آماری این پژوهش ۱۰ کشور آسیای جنوب شرقی (ASEAN) است. کشورهای آسیای جنوب شرقی عبارتند از: سنگاپور، اندونزی، مالزی، تایلند، ویتنام، فیلیپین، میانمار، لائوس، کامبوج و برونئی دارالسلام.

۱-۷-۴ ابزار گردآوری داده‌ها

آمار و اطلاعات لازم برای این پژوهش از منابع معتبر آماری نظیر گزارش‌های توسعه انسانی منتشر شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ و داده‌های بانک جهانی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی^۲ (WGI) به دست آمده است. داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی از موسسه خانه آزادی^۳ و داده‌های نرخ شهرنشینی از داده‌های بانک جهانی (WDI) جمع‌آوری شده است.

۱-۷-۵ ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج

نرم‌افزارهای اقتصادسنجی Stata و Eviwes جهت تخمین و برآورد الگوها و نرم‌افزار SPSS جهت تحلیل عاملی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. UNDP

2. World Governance Indicators

3. Freedom House

۸-۱ واژه‌های کلیدی

- حکمرانی خوب

حکمرانی خوب عبارتست از اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگوئی و اثربخشی (استو^۱، ۱۹۹۲، ص ۳۹۲).

- شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی

این شاخص بیانگر این است که شهروندان یک کشور تا چه حد قادر به مشارکت در انتخاب دولت خود و همچنین آزادی بیان، آزادی تشکیل حزب و رسانه‌های آزاد هستند (کافمن، کرای و ماسترازی^۲، ۲۰۱۰، ص ۴).

- شاخص ثبات سیاسی

این شاخص نشان‌دهنده عدم احتمال براندازی دولت به طور غیرقانونی یا به روش‌های خشونت بار شامل تروریسم، کودتا، ترور، خشونت داخلی با انگیزه سیاسی، تنش‌های قومی و مواردی از این قبیل است (همان).

- شاخص اثربخشی دولت

این شاخص نشان‌دهنده کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی، درجه استقلال دولت از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌ها و همچنین اعتبار تعهد دولت به این سیاست‌ها است (همان).

- شاخص کیفیت قوانین و مقررات

این شاخص نشان‌دهنده توانایی دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌های صدا و همچنین سیاست‌هایی است که منجر به ترویج و توسعه بخش خصوصی می‌شود (همان).

- شاخص حاکمیت قانون

این شاخص نشان‌دهنده این است که شهروندان و دولتمردان یک کشور تا چه حد برای نهادهایی که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلافات ایجاد شده است، احترام قائل هستند. همچنین این شاخص کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها و همچنین احتمال جرم و جنایت و خشونت را در جامعه نشان می‌دهد (همان).

- شاخص کنترل فساد

این شاخص نشان‌دهنده این است که تا چه حد از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی استفاده شده است (همان، ص ۵).

¹. Kenneth Stowe

². Kaufmann, Kraay, Mastruzzi

- شاخص توسعه انسانی

در سال ۱۹۹۰ نخستین گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد به منظور اندازه گیری توسعه اقتصادی ارائه گردید. این گزارش اصولاً برای شفاف نمودن نقاط قوت و ضعف کشورهای در حال توسعه و برای استفاده برنامه‌ریزان و محققان بود. شاخص معرفی شده در این گزارش عبارت بود از شاخص توسعه انسانی که روش جدیدی بر اساس شاخص‌های ترکیبی برای اندازه گیری وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها می‌باشد. این شاخص از طریق تلفیق نماگرهای امید به زندگی، میزان تحصیلات و سطح درآمد به صورت یک شاخص مرکب توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفت (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۴، صص ۳۶-۳۵).

- داده‌های تابلویی^۱

یکی از روش‌های موثر و کارآمد در عرصه اقتصادسنجی است که کاربردهای آن در مباحث مختلف اقتصادسنجی روزبه‌روز گسترده‌تر می‌گردد. این روش به معنای ترکیب کردن مشاهدات روی داده‌های مقطعی در طول چندین دوره زمانی است. در این روش ناهمگنی بین واحدهای انفرادی در نظر گرفته می‌شود (هیسائو^۲، ۱۹۸۶).

- تحلیل عاملی^۳

معمولاً در پژوهش‌ها به دلایل مختلف با حجم زیادی از متغیرها روبرو هستیم. برای تحلیل دقیق تر داده‌ها و رسیدن به نتایج علمی‌تر و در عین حال عملیاتی‌تر، محققان به دنبال کاهش حجم متغیرها و تشکیل ساختار جدیدی برای آن‌ها می‌باشند و بدین منظور از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کنند. تحلیل عاملی سعی در شناسایی متغیرهای اساسی یا عامل‌ها به منظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده دارد (مومنی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱).

¹ Panel Data

² Hisao

³ Factor analysis

فصل دوم

ادبیات موضوع و پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱ مقدمه

حکمرانی خوب مفهوم جدیدی است که از دهه ۱۹۹۰ و با اعمال نفوذ از سوی برخی نهادهای قدرتمند بین‌المللی وارد ادبیات توسعه شده است. این مفهوم برگرفته از نظریه نهادگرایی است. در بخش دوم این فصل، نگاهی تاریخی به دیدگاه‌های مطرح شده در مورد جایگاه دولت در نظریات توسعه اقتصادی خواهیم داشت. در بخش سوم به بررسی مفهوم توسعه و توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود و در بخش چهارم شاخص توسعه انسانی به عنوان شاخصی برای توسعه اقتصادی معرفی خواهد شد. در بخش پنجم، نقش نهادها در فرآیند توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد، بخش ششم شامل مفهوم حکمرانی خوب است و در بخش هفتم شاخص‌های حکمرانی خوب معرفی می‌شوند. بخش هشتم کانال‌های اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در نهایت در بخش نهم مطالعات مرتبط انجام شده با موضوع مورد نظر در دو محور مطالعات داخلی و خارجی ارائه خواهد شد.

۲-۲ جایگاه دولت در نظریه‌های توسعه اقتصادی

۲-۲-۱ دولت شبگرد^۱

این دیدگاه از قرن ۱۸ با تحولات صنعتی در انگلستان آغاز شد و با اندیشه اقتصاددانان کلاسیک همراه بود. کلاسیک‌ها معتقد بودند که اگر شرایط اقتصادی به گونه ای باشد که کلیه عوامل اقتصادی بتوانند آزادانه منافع خود را تعقیب کنند، منافع اقتصادی جامعه نیز تأمین خواهد شد و ثروت ملی افزایش خواهد یافت. به شرط آنکه، اولاً بازارها رقابتی باشند تا گردش امور اقتصادی بر اساس تغییر در قیمت‌ها تنظیم شود و منابع اقتصادی اعم از کار و سرمایه به صورتی بهینه به فعالیت‌های مختلف تخصیص یابد. ثانیاً بخش خصوصی محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی باشد و مداخله دولت در اقتصاد به امور عام المنفعه، حمایت از حقوق اقتصادی به‌ویژه حق مالکیت و نظارت مستمر برای رفع موانع رقابت محدود شود (برادران شرکاء، ۱۳۸۷، ص ۳۱).

۲-۲-۲ دولت گرایی

حاکمیت تفکر کلاسیک باعث گردید که، تا اواخر قرن ۱۹ دولت‌ها نقش رو به گسترشی در اقتصاد نداشته باشند؛ اما قرن بیستم را می‌توان قرن توسعه ایدئولوژی‌ها و نظام‌های دولت‌مدار در انواع بسیار متفاوت آن، از نظام‌های کمونیستی گرفته تا دولت‌های رفاه در دموکراسی‌های لیبرال و نیز اقسام حکومت‌های پوپولیستی دانست. برخی از مهمترین عوامل رونق اندیشه‌های دولت‌گرایی در دوره موارد زیر می‌باشد:

نظریه‌های موسوم به شکست بازار از اوایل قرن بیستم از سوی برخی اقتصاددانان حرفه‌ای و محافل دانشگاهی مطرح گردید که بر ضرورت مداخله دولت برای رفع نارسایی‌های بازار تأکید می‌کردند. «پیگو»^۲ اقتصاددان معروف اوایل قرن بیستم و دیگر اقتصاددانان هم‌فکر وی نظریه شکست بازار را مهم‌ترین استدلال برای توجیه مداخله دولت در اقتصاد دانسته و معتقد بودند که نظریه دست‌نامرئی بازار، در همه موارد صدق نمی‌کند.

بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰، یکی دیگر از عوامل اقبال اندیشه‌های دولت‌گرایی در قرن بیستم بود. طبق نظریه کینز^۳ نظام بازار آزاد به طور ساختاری دچار کمبود تقاضای کل است. به طوری که تعادل در بازارهای مختلف می‌تواند توأم با اشتغال ناقص عوامل تولید یعنی بیکاری نیروی کار و عاطل ماندن سرمایه باشد. بنابراین اجرای سیاست‌های مدیریت تقاضا برای مقابله با رکود فراگیر و بحران بیکاری از یک سو و گسترش چتر حمایت از

^۱ Night Watch State

^۲ Pigou

^۳ Keynes

طبقات محروم در قالب سیاست‌های تأمین اجتماعی دولت رفاه از سوی دیگر می‌تواند در نهایت به افزایش تقاضای کل در اقتصاد بیانجامد.

رهایی بسیاری از مناطق مستعمراتی پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری دولت‌های جدید که طبعاً در ابتدای امر اعتقاد به توسعه متکی به دولت و ملی‌گرایی را در این کشورها اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. بدین ترتیب دیری نپایید که دولت‌ها متکفل طیف وسیعی از فعالیت‌ها گردیدند که نه تنها به ارائه خدمات زیربنایی و امور عام‌المنفعه محدود نمی‌گشت، بلکه مواردی چون برنامه‌ریزی متمرکز، رفع نارسایی‌های بازار در تخصیص منابع، سیاست‌های حمایت از صنایع نوپا در جهت تقویت تولید و اشتغال ملی، تولید برخی کالاها (نظامی و غیرنظامی) بنابر ملاحظات امنیتی و استراتژیک را در بر می‌گرفت. به طوری که عملاً در دهه ۱۹۶۰ دولت‌ها در کلیه زمینه‌های اقتصادی مانند کنترل قیمت‌ها، تنظیم بازار نیروی کار، نرخ ارز و بازارهای مالی دخالت گسترده‌ای داشتند (همان، ص ۳۲).

۲-۲-۳ شکست دولت^۱

تفکر غالب پس از جنگ جهانی دوم و در زمان اوج‌گیری گرایش به دخالت‌های بیشتر دولت در امور اقتصادی از طریق "ملی کردن" و "برنامه ریزی‌های جامع توسعه اقتصادی" این بود که دولت مانند یک حامی اجتماعی^۲، رفتاری خیرخواهانه دارد؛ که در چنین فضایی اقتصاددانان برنامه‌های اقتصادی را طراحی می‌کنند و بوروکرات‌ها که از منافع شخصی به دور هستند، برنامه‌ها را اجرا می‌نمایند. اما بعد از ۴۰ سال تجربه فعالیت‌های گسترده دولتی، این شناخت حاصل شد که انگیزه افراد در بخش خصوصی با انگیزه آنان در بخش دولتی تفاوتی ندارد و درست نیست اگر فرض شود فرد در بخش خصوصی به دنبال منافع شخصی است اما در بخش دولتی عدالت اجتماعی راهنمای رفتار اوست. معلوم شد که تصمیمات مربوط به سیاست‌های اقتصادی به استثناء مواردی محدود، توسط اقتصاددانان گرفته نمی‌شود، بلکه این تکنوکرات‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند و سپس توجه اقتصادی برای تصمیمات خود ارائه می‌دهند. خط‌مشی‌های کلی اقتصادی نیز اغلب تحت تأثیر فشارهای سیاسی رهبری می‌شود. این تصمیمات هرگز با ایده‌آل‌های تخصیص بهینه منابع هم‌خوانی ندارد. گروه‌های فشار تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر طراحی و اجرای سیاست‌ها داشته و فساد اداری در غالب قراردادهای و تخصیص امتیازها اعمال می‌گردد. بین گروه‌های مختلف در دیوانسالاری دولتی نیز اختلافات زیادی وجود دارد و مقاصد مختلفی را دنبال

¹ Government Failure

² Social Guardian